

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال سوم، شماره اول، بهار ۱۳۸۶

صص ۲۱-۱

روند قلمروسازی کشورهای ساحلی در بستر خلیج فارس

دکتر ذره میرحیدر* - استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

عمران راستی - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

علیدوست امیری - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

رضاعلی التیامی نیا - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

ناصر سلطانی - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۴/۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۱/۱۸

چکیده

فرایند قلمروسازی کشورهای ساحلی در خلیج فارس به‌طور رسمی و قانونی و از نظر تدوین قوانین مربوط به آن به سالهای بعد از تشکیل اولین کنفرانس حقوق دریاها (۱۹۳۰، لاهه) بر می‌گردد؛ به‌طوری که در ایران اولین قانون راجع به تعیین حدود آبهای ساحلی و منطقه نظارت در سال ۱۳۱۳ ش. (۱۹۳۴ م.) صورت گرفت. متعاقب انتشار اعلامیه ترومن مبنی بر صلاحیت کشورهای ساحلی بر اکتشاف و استخراج منابع بستر و زیر بستر فلات قاره، کشورهای ساحلی خلیج فارس نیز به فکر استفاده از منابع بستر و زیربستر خلیج فارس افتادند. از آنجا که عرض خلیج فارس کم است و تمام آن فلات قاره محسوب می‌شود، در نتیجه کشورها می‌باید مرز فلات قاره خود را با یکدیگر تحدید می‌کردند. از سال ۱۹۶۵ تاکنون (نوامبر ۲۰۰۷ م.) ۱۲ قطعه مرزی در خلیج فارس تعیین و تحدید شده و چندین قطعه مرزی هنوز مورد توافق و تحدید قرار نگرفته است. هدف اصلی این مقاله، بررسی فرایند قلمروسازی کشورهای ساحلی در خلیج فارس است. در مقالات و کتابهایی که تاکنون منتشر شده است، توجه عمدتاً معطوف به وضعیت حقوقی ایران بوده و در نتیجه ادعاهای حقوقی کشورهای جنوبی خلیج فارس و مشخص کردن آنها روی نقشه مورد غفلت قرار گرفته است. در این مقاله سعی شده است تا سرحد امکان این نقص برطرف شود و بویژه به ادعاهای قلمروسازی کشورها و توافقاتی که بعد از آخرین کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲ م.) میان کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس برای تعیین مرز دریایی صورت گرفته، توجه شود. واژه‌های کلیدی: مرز دریایی، قلمروسازی، دریای سرزمینی، منطقه نظارت، منطقه انحصاری اقتصادی، فلات قاره.

۱- مقدمه

قلمروسازی طبق تعریف به فرایند دستیابی یک فرد یا گروه به حقوق انحصاری قانونی بر یک محدوده فضایی - مکانی اطلاق می‌شود. نتیجه این فرایند ظهور یک سلسله ظرفهای فضایی با مرزهای تعریف شده است که باید بصورت فیزیکی روی زمین و یا نقشه مشخص شوند. اعمال قدرت و یا نظارت بر روی این محدوده‌ها و یا به عبارتی حفظ و نگاهداشت قلمرو مستلزم کاربرد ابزار مشروع زور است که از طریق حضور فیزیکی پلیس و ارتش و یا تهدید توسل به قانون و یا غیرمستقیم صورت می‌گیرد. فرایند قلمروسازی در دریا با فرایند قلمروسازی در خشکی بالطبع تفاوت‌هایی دارد. ماهیت سیال آب و وجود عناصر و عوامل دریایی، پایبندی به اصول و قواعد حاکم بر روابط بین دول در محیط دریاها، مرزبندی و قلمروسازی در دریاها را با مشکلاتی روبرو می‌سازد. وجود مسیرهای مهم و تأسیس شده کشتیرانی بین‌المللی موانع بزرگی در راه قلمروسازی کشورها در سطح آب محسوب می‌شوند و حقوق کشورهای غیر ساحلی باید از این نظر تأمین شود. حقوق عرفی و قراردادی دریاها، جغرافیا، قدرت و اقتصاد از عواملی می‌باشند که ادعای دولتها نسبت به قلمرو دریایی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

در ابتدا انگیزه اصلی کشورهای ساحلی برای ایجاد قلمرو عامل دفاعی و نظامی بود. دفاع از سرزمین و خشکی دلیلی بود که فکر تعیین محدوده‌ای که عرض آن به اندازه تیررس توپ باشد مورد استقبال قرار گرفت. بعدها با پیشرفتهایی که در ابزار و فنون جنگی صورت گرفت، برد توپ بی‌اثر اعلام شد و عرض دریای سرزمینی تا ۱۲ مایل دریایی مورد پذیرش واقع شد ولی ایجاد قلمرو در بستر دریا که موجب شد منطقه‌ای به نام سکوی قاره (فلات قاره) به وجود آید ناشی از انگیزه اقتصادی قدرتهای بزرگ بود که در پی انتشار اعلامیه ترومن تحقق یافت. بعدها با ایجاد تغییراتی که در عرض این منطقه و تعریف حقوقی آن نسبت به تعریف جغرافیایی‌اش در کنوانسیونهای سه‌گانه سازمان ملل متحد درباره حقوق دریاها به وجود آمد، مهمترین دغدغه کشورهای که دارای منابع مهم انرژی و معدنی در منطقه فلات قاره خود بودند تقسیم بستر دریا و بهره‌برداری از این منابع بود. دولتهای خلیج فارس و اولین آنها ایران به تصویب قوانینی درباره اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی فلات قاره اقدام نمودند. دو

دولت عربستان سعودی و بحرین (زمانی که هنوز تحت‌الحمایه بریتانیا محسوب می‌شد) در سال ۱۹۵۸ به منظور حل مناقشه بر سر میدان نفتی ابوسعفه ضمن ترسیم مرز دریایی میان دو کشور تصمیم گرفتند که میدان نفتی به عربستان سعودی واگذار شود و هر سال نیمی از درآمد آن به بحرین داده شود و این اولین مرز فلات قاره میان دو کشور در حاشیه جنوبی خلیج فارس محسوب می‌شود.

دقیق‌ترین مرز دریایی که طبق مقررات کنوانسیونهای دریایی و با صرف وقت زیاد طی پنج سال از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۸ میلادی تعیین شد، مرز فلات قاره میان ایران و عربستان سعودی می‌باشد. در این مورد هم انگیزه اصلی بهره‌برداری از منابع نفتی بستر و زیر بستر بود که شرکت‌های نفتی خارجی برای بستن قرارداد کشورهای مربوطه را تحت فشار قرار می‌دادند. مشکلات دیگری هم در رابطه با ادعای حاکمیت ایران و عربستان بر دو جزیره فارسی و عربی و عدم پذیرش خط مبدأ ایران از سوی عربستان سعودی وجود داشت که موجب طولانی شدن فرایند شد. در اثنای کار تعیین مرز فلات قاره ایران و عربستان، در سال ۱۹۶۵ عربستان با قطر در تعیین خط میانه به عنوان خط مرزی دو کشور در خلیج سلوی به توافق رسیدند.

چهارمین مرز در حاشیه جنوبی در سال ۱۹۶۹ میان قطر و ابوظبی بر سر میدان نفتی البندوق تعیین شد که با بهره‌برداری مشترک از آن خاتمه پیدا کرد. طی سالهای ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۵ مرزهای فلات قاره میان ایران از یکسو و کشورهای قطر، بحرین و عمان از سوی دیگر تعیین شد و مشخصات آن بر روی نقشه ترسیم گردید ولی مشاجرات و منازعات میان کشورهای کویت و عربستان، عراق و کویت، قطر و بحرین تا سالهای پایانی ۱۹۹۰ ادامه داشت و امروز (نوامبر ۲۰۰۷)، مرزهای میان ایران و عراق، ایران و کویت، کویت و عراق و ایران و امارات هنوز در بستر دریا تعیین نشده‌اند.

۲- هدف تحقیق

تحولاتی که در چند سال اخیر در روابط بین کشورهای ساحل جنوبی خلیج فارس رخ داده و بویژه توافقاتی که در راستای حل اختلافات دیرین مرزی صورت گرفته است، نویسندگان را بر آن داشت که نگاهی به آخرین تلاش کشورهای ساحلی به منظور قلمروسازی در دریا داشته باشند و نقشه‌ای که حاوی تمامی این تغییرات مرزی باشد، تهیه شود. بدیهی است که این

توافقات مرزی و بده و بستانها در تحقق صلح و امنیت منطقه نقش بسزایی دارد. مطالبی که تاکنون درباره وضعیت حقوقی خلیج فارس انتشار یافته کلاً ناظر به وضع حقوقی ایران مشتمل بر چگونگی خط مبدأ و محدوده‌های دریای سرزمینی، منطقه نظارت، فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی بوده است، در حالی که کمبود قابل توجهی درباره چگونگی خط مبدأ ادعایی و محدوده دریای سرزمینی کشورهای حاشیه خلیج فارس بر روی نقشه‌ها مشاهده می‌شود. فقط مرز فلات قاره کشورهایی که با ایران قرارداد امضا کرده‌اند، مشخص است ولی وضعیت مرز دریایی میان این کشورها نشان داده نشده است. با توجه به توافق سال ۲۰۰۰ میان کشورهای عربستان سعودی و کویت بر سر تعیین مرز فلات قاره میان دو کشور در مقابل منطقه بیطرف سابق و واگذاری دو جزیره قاروه و ام‌المرادیم به کویت و مرتفع شدن اختلاف میان دو کشور بحرین و قطر بر سر حاکمیت بر جزایر حوار در نتیجه رأی دیوان بین‌المللی دادگستری و تعیین مرز دریای سرزمینی میان دو کشور، به نظر رسید که این موارد به طور دقیق بر روی نقشه آورده شود.

۳- چارچوب مفهومی تحقیق

قلمروسازی^۱ که از مفاهیم مهم جغرافیای سیاسی است و از اعمال قدرت بر مکان حکایت دارد و در بهترین شکل در حکومت ملت پایه (دولت- ملت) تجلی می‌یابد، اساس نظری این مقاله را تشکیل می‌دهد. فراتر از انگیزه‌های امنیتی، نظامی و ارتباطی که از مزایای تحدید حدود دریای سرزمینی در کنار ساحل هر کشور می‌باشند وجود منابع نفت و گاز و سایر منابع معدنی مثل مس و کلوخه منگنز و غیره که در بستر و زیربستر دریا قرار دارند و همچنین وجود منابع زنده بویژه ماهی و همچنین جریانهای بحری که قابل تبدیل به انرژی هستند موجب شده که قدرتهای بزرگ با داشتن فناوریهای پیشرفته چشم به قلمروگستری در دریا و اقیانوسها دوخته و قوانین پیشرفته‌ای را در کنوانسیون سوم سازمان ملل (۱۹۸۲) به تصویب برسانند. از این رهگذر کشورهای در حال توسعه نیز که سواحل طولانی دارند و از منابع مهم نفت و گاز فلات قاره برخوردارند بی‌نصیب نمانده و به تحدید حدود قلمروهای دریایی خود پرداخته‌اند که کشورهای خلیج فارس از جمله آنان هستند.

خلیج فارس به عنوان یک آبراه نیمه بسته از خصوصیات طبیعی و زمین‌شناختی خاصی برخوردار است که آن را آسیب‌پذیر ساخته است. عمق و عرض کم آبراه بویژه در رأس آن، وجود جزایر کوچک و بزرگ و آبتل‌ها و آبسنگ‌های متعدد، جریانهای بحری که حرکت گردشی آنها در انتشار آلودگی مؤثر است، وجود تنگه باریک و استراتژیک هرمز که محل عبور و مرور روزانه تانکرهای بی‌شمار نفتی است و بالاخره وجود منابع غنی نفت و گاز که کشورها را در اکتشاف و استخراج آنها حریص می‌کند، از عواملی به شمار می‌روند که در تقسیم این آبراه میان کشورهای ساحلی مؤثرند.

۴- مشکلات تحقیق

صرفنظر از اسناد و منابع موثقی که درباره قوانین دریایی و ادعاهای حقوقی ایران و موافقت‌نامه‌های مرزی با کشورهای همسایه در دسترس است، بررسی روند قلمروسازی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به دلیل عدم انتشار رسمی خط مبدأ ادعایی این کشورها که بر اساس آن می‌توان مناطق مختلف دریایی (دریای سرزمینی، منطقه نظارت، منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره) را اندازه‌گیری و روی نقشه ترسیم کرد، با مشکل رو به رو شد. و در وزارت امور خارجه نیز اسناد یا اعلامیه‌ای از این کشورها مبنی بر مختصات نقاط خط مبدأ مورد ادعای آنان وجود نداشت. بنابراین اطلاعات اینترنتی مهمترین منبع را در اختیار محقق قرار داد. در منابع مختلفی که حاوی ادعاهای حقوقی این کشورها بود، نیز تناقضاتی دیده شد که موجب سردرگمی و بی‌اعتمادی می‌گردید. در درج مختصات جغرافیایی نقاط مرزی هم گاهی اشتباهاتی دیده شد که اگر با چند منبع دیگر مقایسه نشده بود، ترسیم مرز به غلط صورت می‌گرفت. منابع اطلاعاتی هم که توسط وزارت خارجه امریکا به‌وفور منتشر می‌شود نیز معلوم نیست که با ادعاهای ملی کشورها همخوانی داشته باشد و ممکن است نظر دولت امریکا را طبق مقررات کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در این خصوص اعلام داشته باشد. با توجه به همه مشکلات تلاش وافر صورت گرفته که دقیقترین و تازه‌ترین اطلاعات موجود با ذکر منبع روی نقشه نهایی وارد شود.

۵- قلمروسازی در خلیج فارس

اقوام و کشورهای حاشیه خلیج فارس همانند همه کشورهای ساحلی دنیا به استفاده از آبهای این خلیج مبادرت ورزیده‌اند، اما تلاش برای قلمروگستری و تحت حاکمیت درآوردن آبهای ساحلی طبق حقوق عرفی و قراردادی بین‌المللی به سالهای بعد از تشکیل اولین کنفرانس بین‌المللی درباره حقوق دریاها (۱۹۳۰ میلادی) که در شهر لاهه برگزار شد، بر می‌گردد.

در ایران اولین قانون راجع به تعیین حدود آبهای ساحلی و منطقه نظارت دولت در دریاها در ۲۴ تیرماه ۱۳۱۳ ش. (۱۹۳۴ م.) تصویب و نحوه حضور کشتیهای جنگی خارجی در مناطق دریایی ایران مشخص شد. در این قانون عرض آبهای ساحلی ایران متعاقب تصمیمات گرفته‌شده در کنفرانس لاهه ۶ مایل تعیین شده بود (سند قانون دریایی ایران در سال ۱۳۱۳ برگرفته از بخش ضمایم کتاب حقوق بین‌الملل دریا، ص ۶۴۵). در پی برگزاری اولین کنفرانس حقوق دریاهای سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۸ در شهر ژنو، در ایران نیز اصلاحیه‌ای در تاریخ ۲۲ فروردین ۱۳۳۸ نسبت به قانون اول به تصویب رسید که در آن عرض آبهای ساحلی ایران در خلیج فارس و دریای عمان به ۱۲ مایل دریایی گسترش پیدا کرد (همان: ۶۵۰).

در ۲۸ خرداد ۱۳۳۴ شمسی (ژوئن ۱۹۵۵) متعاقب انتشار اعلامیه ترومن درباره صلاحیت کشورهای ساحلی بر اکتشاف و استخراج منابع بستر و زیر بستر ادامه قاره که از آن به عنوان فلات قاره نام برده شد، دولت ایران هم قانونی را راجع به اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی فلات قاره ایران به تصویب رساند (همان منبع، ص ۶۴۸). در ۱۳۵۲/۴/۳۰ هیأت وزیران خط مبدأ مستقیمی که از ۲۵ نقطه در امتداد ساحل و جزایر نزدیک به ساحل به وجود آمده بود، به تصویب رساند تا بر اساس آن مناطق مختلف دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان اندازه‌گیری شوند. در این مصوبه برای اولین بار از اصطلاح دریای سرزمینی به جای آبهای ساحلی استفاده شده است. ضمناً همراه این تصویب‌نامه نقشه دریایی خلیج فارس به مقیاس ۱:۱۵۰۰۰۰۰ که در آن خط مبدأ ترسیم شده ضمیمه گردیده بود (همان: ۶۵۳).

در ۸ آبان ۱۳۵۲ ه. ش (۱۹۷۳ م.) دولت ایران اعلامیه‌ای درباره منطقه انحصاری ماهیگیری ایران در خلیج فارس و دریای عمان انتشار داد. در آن اعلامیه تصریح شده بود که حد خارجی منطقه انحصاری ماهیگیری ایران در خلیج فارس حد خارجی آبهای روی فلات قاره ایران

می‌باشد و در قسمتهایی که فلات قاره ایران در خلیج فارس به موجب موافقت نامه‌هایی با دول دیگر تعیین و تحدید شده است، حد خارجی آبهای روی فلات قاره ایران طبق حدودی است که در آن موافقت نامه‌ها تعیین شده است (همان، ۶۵۲). در این اعلامیه حد خارجی منطقه انحصاری ماهیگیری ایران در دریای عمان پنجاه مایل دریایی از خط مبدأ اعلام شده بود که در اعلامیه بعدی - که در خرداد ۲۵۳۶ (۱۳۵۶ش) برابر با ۲۲ می ۱۹۷۷ صادر شد - تا حد خط منصف دریای عمان که کلیه نقاط آن در نزدیکترین نقاط خطوط مبدأ دریای سرزمینی ایران و عمان به یک فاصله باشد، گسترش داده شد (همان: ۶۵۶). و بالاخره سومین و کاملترین قانون درباره مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان که متعاقب کنوانسیون سوم سازمان ملل و متأثر از مواد جدید آن تدوین شده بود، در تاریخ ۱۳۷۲/۲/۱۲ به تصویب قوه مقننه رسید.

سایر کشورهای ساحلی خلیج فارس هر کدام با تصویب قوانین مربوط به مناطق دریایی به قلمروسازی و بهره‌برداری از مواهب و منابع این آبراه پرداخته‌اند. از میان این کشورها ایران و عمان نقاط مبدأ مستقیم ادعایی خود را اعلام و منتشر کرده‌اند؛ در حالی که عربستان و امارات اگر چه ظاهراً تلفیقی از دو روش خط مبدأ جزری و خط مبدأ مستقیم را به کار گرفته‌اند ولی از انتشار آن خودداری کرده‌اند. تمامی هشت کشور حاشیه خلیج فارس ادعای ۱۲ مایل دریای سرزمینی از خط مبدأ را دارند. ایران، بحرین، عمان، قطر و امارات عرض منطقه نظارت خود را ۲۴ مایل دریایی از خط مبدأ اعلام کرده‌اند. در حالی که این رقم برای عربستان سعودی ۱۸ مایل اعلام شده است. در ضمن عراق و کویت نیز منطقه نظارت خود را اعلام نکرده‌اند.

پهنای کم خلیج فارس اجازه گسترش قلمروهای پیش‌بینی شده در کنوانسیونهای ۱۹۵۸ و ۱۹۸۲ دریاها را به کشورهای همسایه نمی‌دهد، به طوری که در بعضی موارد کشورها نمی‌توانند تمامی دریای سرزمینی ادعایی خود را داشته باشند و در اثر روی هم افتادگی، مرز میان آنها باید خط منصف بر اساس خطوط مبدأ دو کشور باشد^۱. از آنجا که خلیج فارس به

۱ - کمترین عرض دریای سرزمینی در خلیج فارس مربوط به مرز دریایی دو کشور بحرین و قطر (در قسمتی که مرز دریایی این دو کشور جزایر حواری را از شبه جزیره قطر جدا می‌کند) است. در قسمتی عرض دریای سرزمینی این دو کشور (فاصله ساحل تا مرز دریایی) نیم تا یک مایل دریایی است.

دلیل عمق کم کلاً روی یک فلات قاره مشترک قرار دارد، ناچار کشورها هر یک باید به افزایش فلات قاره خود اقدام کنند و این کار با قراردادهایی که میان ایران از یکسو و کشورهای عربستان سعودی، قطر، بحرین و عمان از سوی دیگر بسته شده، میسر شده است. علاوه بر آن، میان کشورهای مجاور مثل کویت و عربستان، عربستان و بحرین، بحرین و قطر و قطر و امارات نیز موافقتنامه‌هایی برای افزایش فلات قاره به امضا رسیده است؛ در حالی که وضعیت مرزهای دریایی میان ایران و عراق، عراق و کویت و ایران و کویت از یکسو و ایران و امارات از سوی دیگر هنوز مشخص نیست.

قوانینی که در خصوص قلمروهای مختلف دریایی در کشورهای حاشیه خلیج فارس به تصویب رسیده است، متأثر از مصوبه‌های کنوانسیونهای حقوق دریاها بوده است. به عنوان مثال از آنجا که فلات قاره و قوانین مربوط به آن قدیمی‌تر از منطقه انحصاری اقتصادی است، در تحدید و توافقات مرزهای دریایی این کشورها نیز عنوان توافق بر مرز فلات قاره دیده می‌شود.

از آنجا که خلیج فارس ۵۶۵ میلیارد بشکه نفت، یعنی معادل ۶۳ درصد کل ذخایر نفتی جهان و ۳۰/۷ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی که برابر ۲۸/۵ درصد کل ذخایر شناخته شده گاز جهان است، در خود ذخیره دارد، قلمروسازی در آن نیز تحت الشعاع این مسأله بوده است. این مسأله در توافقات مرزی و مناقشات مرزی این منطقه تأثیرگذار بوده است. جداول هشت‌گانه زیر حاوی پاره‌ای از ادعاهای هر کدام از این کشورها در راستای قلمروسازی در خلیج فارس می‌باشد.

جدول (۲) قلمروسازی ملی ادعایی عربستان سعودی در خلیج فارس			
عنوان	تاریخ	محدوده	منبع
دریای سرزمینی	فوریه ۱۹۵۸	۱۲ مایل	قانون حکومتی شماره ۳۳
ادعاهای مجمع الجزایر، خط مبدأ مستقیم و تاریخی	آوریل ۱۹۵۸	نقلش از خط مبدأ مستقیم و جزری	قانون حکومتی شماره ۳۳
منطقه نظارت	فوریه ۱۹۵۸	۱۸ مایل	قانون حکومتی شماره ۳۳
فلات قاره	اکتبر ۱۹۶۸		قانون حکومتی شماره ۳۳
مرزهای دریایی	فوریه ۱۹۵۸	توافق مرز دریایی فلات قاره با بحرین	
	دسامبر ۱۹۶۵	توافق مرز دریایی با قطر	
	اکتبر ۱۹۶۸	توافق مرز دریایی فلات قاره با ایران	
	می ۱۹۷۴	توافق با سودان در دریای سرخ	
	جولای ۲۰۰۰	توافق مرز فلات قاره با کویت	
کتوانسیون	ژوئن ۲۰۰۰	توافق مرز دریایی با یمن	
	دسامبر ۱۹۸۴	امضای کتوانسیون	
	آوریل ۱۹۹۶		

منبع: Summary of claims, Saudi Arabia, DOD 2005: 1-۱۸

جدول (۱) قلمروسازی ملی ادعایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس			
عنوان	تاریخ	محدوده	منبع
دریای سرزمینی	اردیبهشت ۱۳۷۲	۱۲ مایل	قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران
ادعاهای مجمع الجزایر، خط مبدأ مستقیم و تاریخی	۱۳۵۲ ژوئن ۱۹۷۳	بخش‌های فلات قاره مبدأ است	قانون شماره ۲۲۵-۷۷ مصوب هیئت وزیران
منطقه نظارت	اردیبهشت ۱۳۷۲ (می ۱۹۹۳)	۲۴ مایل	قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران
فلات قاره (منطقه نظارت اقتصادی)	اردیبهشت ۱۳۷۲ (می ۱۹۹۳)		قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران
مرزهای دریایی	اکتبر ۱۹۶۸	توافق مرز فلات قاره با عربستان سعودی (lis. no. ۲۴)	
	سپتامبر ۱۹۶۹	مرز فلات قاره با قطر (lis. no. ۲۵)	
	ژوئن ۱۹۷۱	توافق مرز فلات قاره با بحرین (lis. no. ۵۸)	
	اکتبر ۱۹۷۴	توافق مرز فلات قاره با امارات متحده عربی (دوبی) (lis. no. ۳۰)	
	می ۱۹۷۵	توافق مرز فلات قاره با عمان (lis. no. ۹۴)	
کتوانسیون	دسامبر ۱۹۸۲	امضای کتوانسیون با یک پیمان در محدوده شدن قانون امور ترانزیتی از تنگه هرمز	

منبع: قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران و منطقه فلات قاره از لحاظ حقوق بین‌الملل اقتصادی و حقوق جزای ساحل در منطقه اقتصادی اقتصادی نسبت به منطقه فلات قاره و بخش است و عراق می‌تواند کسب حاکمیت بر منطقه با ۲۰۰ مایل می‌دهد.

منبع: Summary of claims, Iran, DOD 2005: 1-۱۸

جدول (۴) قلمروسازی ملی ادعایی کویت در خلیج فارس			
عنوان	تاریخ	محدوده	منبع
دریای سرزمینی	دسامبر ۱۹۶۷	۱۲ مایل	قانون امیری
ادعاهای مجمع الجزایر، خط مبدأ مستقیم و تاریخی	۱۹۶۴		قانون شماره ۱۲
منطقه نظارت	دسامبر ۱۹۶۷		قانون امیری
فلات قاره	ژوئن ۱۹۴۹		اعلامیه حاکم کویت
مرزهای دریایی	ژوئن ۱۹۹۳	مرز شامل عسکری ها و آنها و رخواها و رخواه هیدالگ من ۱۹۸۲	گزارش نهایی سازمان ملل در تعیین و علامت گذاری مرز بین عراق و کویت
	جولای ۲۰۰۰	توافق مرز دریایی با عربستان	
کتوانسیون	دسامبر ۱۹۸۲	امضای کتوانسیون	
	می ۱۹۸۶	تصویب کتوانسیون	
	اگوست ۲۰۰۲	متعهد به نسبت توافقنامه	

منبع: Summary of claims, Kuwait, DOD 2005: 1-۱۸

جدول (۳) قلمروسازی ملی ادعایی عراق در خلیج فارس			
عنوان	تاریخ	محدوده	منبع
دریای سرزمینی	نوامبر ۱۹۵۸	۱۲ مایل	قانون شماره ۷۱
ادعاهای مجمع الجزایر، خط مبدأ مستقیم و تاریخی			
منطقه نظارت	نوامبر ۱۹۵۸		فانون شماره ۷۱
فلات قاره	نوامبر ۱۹۵۷		اعلامیه
مرزهای دریایی	ژوئن ۱۹۹۳	مرز شامل عسکری ها و آنها و رخواها و رخواه هیدالگ می باشد	گزارش نهایی سازمان ملل در تعیین و علامت گذاری مرز بین عراق و کویت
	دسامبر ۱۹۸۲	امضای کتوانسیون	
کتوانسیون	جولای ۱۹۸۵	تصویب کتوانسیون	

منبع: Summary of claims, Iraq, DOD 2005: 1-۱۸

جدول (۶) قلمروسازی ملی ادعایی قطر در خلیج فارس			
عنوان	تاریخ	محدوده	منبع
دریای سرزمینی	آوریل ۱۹۹۲	۱۲ مایل	قانون شماره ۴۰
ادعای مجمع الجزایر، خط مبدأ مستقیم و تاریخی			
منطقه نظارت	آوریل ۱۹۹۲	۲۴ مایل	قانون شماره ۴۰
فلات قاره	ژوئن ۱۹۹۹		
مرزهای دریایی	دسامبر ۱۹۶۵		توافق مرزهای دریایی وحشیکی با عربستان
	مارس ۱۹۶۹		مرز فلات قاره با امارات متحده عربی (ابوظبی) (lis no. ۲۱)
	سپتامبر ۱۹۶۹		توافق مرز فلات قاره با ایران (lis no. ۲۵)
کنوانسیون	مارس ۲۰۰۱		رأی دادگاه بین المللی درباره مرز بین قطر و بحرین
	نوامبر ۱۹۸۴		امضای کنوانسیون
	دسامبر ۲۰۰۲		تصویب کنوانسیون

منبع: Summary of claims, Qatar, DOD 2005, 1-34

جدول (۵) قلمروسازی ملی ادعایی بحرین در خلیج فارس			
عنوان	تاریخ	محدوده	منبع
دریای سرزمینی	آوریل ۱۹۹۳	۱۲ مایل	قانون شماره ۸ بیستم آوریل ۱۹۹۳
ادعای مجمع الجزایر، خط مبدأ مستقیم و تاریخی			
منطقه نظارت	آوریل ۱۹۹۳	۲۴ مایل	قانون شماره ۸ بیستم آوریل ۱۹۹۳
فلات قاره	ژوئن ۱۹۹۹		قانون شماره ۳۷/۱۳۸۸
مرزهای دریایی	فوریه ۱۹۵۸		توافق مرز دریایی با عربستان سعودی (lis no. ۱۲)
	ژوئن ۱۹۷۱		توافق مرز فلات قاره با ایران (lis no. ۵۸)
کنوانسیون	مارس ۲۰۰۱		رأی دادگاه بین المللی درباره مرز بین قطر و بحرین
	دسامبر ۱۹۸۲		امضای کنوانسیون
	می ۱۹۸۵		تصویب کنوانسیون

منبع: Summary of claims, Bahrain, DOD 2005, 1-34

جدول (۸) قلمروسازی ملی ادعایی عمان در خلیج فارس			
عنوان	تاریخ	محدوده	منبع
دریای سرزمینی	فوریه ۱۹۸۱	۱۲ مایل	فرمان سلطنتی حکومتی شماره ۱۵/۸۱
	آگوست ۱۹۸۹	۱۲ مایل	اعلامیه متعاقب مصوبه کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریایا
ادعای مجمع الجزایر، خط مبدأ مستقیم و تاریخی	ژوئن ۱۹۸۲		نقاط خط مبدأ مشخص شده است
منطقه نظارت	آگوست ۱۹۸۹	۲۴ مایل	اعلامیه متعاقب مصوبه کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریایا
فلات قاره	فوریه ۱۹۸۱		فرمان سلطنتی حکومتی شماره ۱۵/۸۱
مرزهای دریایی	می ۱۹۷۵		توافق مرز فلات قاره با ایران
	اکتبر ۱۹۹۲		توافق مرزی (خشکی و دریایی) بین عمان و یمن امضا شده است
	ژوئن ۲۰۰۰		توافق مرزی بین عمان و پاکستان امضا شده است
کنوانسیون	جولای ۱۹۸۶		امضای کنوانسیون
	آگوست ۱۹۸۹		تصویب کنوانسیون

منبع: Summary of claims, Oman, DOD 2005, 1-34

جدول (۷) قلمروسازی ملی ادعایی امارات متحده عربی در خلیج فارس			
عنوان	تاریخ	محدوده	منبع
دریای سرزمینی	اکتبر ۱۹۹۳	۱۲ مایل	قانون فدرال شماره ۱۹ مناطق دریایی امارات متحده عربی
	می ۱۹۹۴		بخشنامه شماره ۳۴ درباره چگونگی حق اجازه ورود قایقها به دیون ماند
	ژوئن ۱۹۹۸		مصوبه شماره ۱۱۵ هیئت وزیران
ادعای مجمع الجزایر، خط مبدأ مستقیم و تاریخی	اکتبر ۱۹۹۳		تکمی از خط مبدأ مستقیم وسط جزر را ارائه داده است
منطقه نظارت	اکتبر ۱۹۹۳	۲۴ مایل	قانون فدرال شماره ۱۹ مناطق دریایی امارات متحده عربی
فلات قاره	اکتبر ۱۹۹۳	۲۰۰ مایل	قانون فدرال شماره ۱۹ مناطق دریایی امارات متحده عربی
مرزهای دریایی	مارس ۱۹۶۹		توافق مرزی ابوظبی و قطر درباره جزایر (lis no. ۱۸)
	۱۹۶۹		توافق مرزی ابوظبی و دبی
	آگوست ۱۹۷۴		توافق مرز فلات قاره با ایران (lis no. ۶۳)
کنوانسیون	دسامبر ۱۹۸۲		کنوانسیون را امضا کرده است ولی تصویب نکرده است

منبع: Summary of claims, United Arab Emirates, DOD 2005, 1-34

۶- مرزهای دریایی توافق شده در خلیج فارس^۱

در متون فارسی جغرافیای سیاسی دریاها به توافقات مرزی که بین کشورها در خلیج فارس به امضا رسیده و تعیین شده، پرداخته شده است (این توافقات مربوط به قبل از کنوانسیون ۱۹۸۲ می‌باشد که آنها را می‌توان متأثر از کنوانسیون ۱۹۵۸ دانست) ولی در این متون به توافقات جدیدی که بین کشورها به امضا رسیده، اشاره‌ای نشده است همچنین در نقشه‌های ترسیم شده در برخی از این کتابها مرز دریایی بین عربستان و بحرین (۱۹۵۸) و مرز بین قطر و عربستان در خلیج سلوی (۱۹۶۵) نیز ترسیم نشده است. در ذیل فهرست مرزهای دریایی توافق شده در خلیج فارس بترتیب تاریخ شکل‌گیری آمده است.

۱- بحرین - عربستان سعودی (۱۹۵۸): دو دولت عربستان سعودی و بحرین (زمانی که هنوز تحت‌الحمایه بریتانیا محسوب می‌شد) در سال ۱۹۵۸ به منظور حل مناقشه بر سر میدان نفتی ابوسعفه ضمن ترسیم مرز دریایی میان دو کشور تصمیم گرفتند که میدان نفتی به عربستان سعودی واگذار شود و هر سال نیمی از درآمد آن به بحرین داده شود و این اولین مرز فلات قاره میان دو کشور در حاشیه جنوبی خلیج فارس محسوب می‌شود.

۲- عربستان - قطر (۱۹۶۵): بر اساس ماده (۱) این توافقنامه، مرز دریایی این دو کشور در خلیج سلوی خط میانه (منصف) انتخاب شده است (مراجعه به نقشه).

۳- ایران - عربستان (۱۹۶۸): دقیقترین مرز دریایی که طبق مقررات کنوانسیونهای دریایی و با صرف وقت زیاد طی پنج سال از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۸ میلادی تعیین شد، مرز فلات قاره میان ایران و عربستان سعودی می‌باشد. در این مورد هم انگیزه اصلی بهره‌برداری از منابع نفتی بستر و زیر بستر بود که شرکتهای نفتی خارجی برای بستن قرارداد کشورهای مربوطه را تحت فشار قرار می‌دادند. مشکلات دیگری هم در رابطه با ادعای حاکمیت ایران و عربستان بر دو جزیره فارسی و عربی و عدم پذیرش خط مبدأ ایران از سوی عربستان سعودی وجود داشت که موجب طولانی شدن فرایند شد.

۴- دبی - ابوظبی (۱۹۶۹): مرزهای خشکی بین دبی و ابوظبی در اوایل دهه ۱۹۶۰ تعیین شد و بخشی از مرز میان دبی و ابوظبی که هنوز تعیین نشده است تا رفع اختلاف، منطقه

۱- مختصات نقاط این مرزهای دریایی در توافقاتی که بین این کشورها به امضا رسیده است، موجود می‌باشد.

بیطرف اعلام شده است. این دو امارت مرزهای دریایی خود را در سال ۱۹۶۹ تعیین کردند.

۵- قطر - ابوظبی (۱۹۶۹): قرارداد مزبور در ۲۰ مارس ۱۹۶۹ به امضای دو طرف رسید و از همان تاریخ به اجرا درآمد. این مرز دریایی از چهار خط مستقیم میان شش نقطه گردش و یک نیم دایره که شش مایل آبهای کرانه جزیره دینیه (دینیه) ابوظبی را دور می‌زند، تشکیل می‌شود. قرارداد یاد شده مالکیت قطر بر جزایر عشه و شریوه (شراعوه) را به رسمیت شناخته است (مجتهد زاده، ۱۳۸۲: ۸۳). در این قرارداد بر مالکیت مشترک میدان نفتی البندوق تأکید شده است.

۶- ایران - قطر (۱۹۷۰): این خط مرزی که ۱۳۱ مایل طول دارد بر اساس خط منصف به نسبت موقعیت دو کرانه با احتساب کرانه‌های اصلی دو کشور تعیین شده و موقعیت جزایر طرفین در این محاسبات نادیده گرفته شده است. این قرارداد در ۲۰ سپتامبر ۱۹۶۹ به امضای طرفین رسید و از تاریخ ۱۰ می ۱۹۷۰ اجرا شد (همان: ۷۹-۸۰).

۷- بحرین - ایران (۱۹۷۲): به دنبال به رسمیت شناختن استقلال سیاسی بحرین در سال ۱۹۷۱، دولت ایران تعیین حدود مرزهای دریایی خود با آن کشور را آغاز کرد. به این ترتیب مرز دریایی ایران و بحرین با تعیین ۴ نقطه گردش و به طول ۲۸/۳ مایل از تاریخ ۱۴ می ۱۹۷۲ رسماً به اجرا گذاشته شد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۳۴۶).

۸- ایران - عمان (۱۹۷۵): مرز دریایی دو کشور ایران و عمان با ۲۱ نقطه گردش و به طول ۱۲۴/۸ مایل تعیین شده است. قرارداد مرزی بین ایران و عمان در سال ۱۹۷۴ به امضا رسید و در ۲۸ می ۱۹۷۵ رسماً به اجرا گذاشته شد (همان: ۳۴۶).

۹- ایران - امارات متحده عربی (دبی) (۱۹۷۵): ایران و دبی در تاریخ ۱۴ اوت ۱۹۷۴ قراردادی امضا کردند که در ۱۵ مارس ۱۹۷۵ توسط ایران تصویب شد ولی به تصویب امارات متحده عربی قرار نگرفت. این مرز دریایی ۳۹/۲ مایل طول دارد.

۱۰- عراق - کویت (۱۹۹۳) مرز بین‌المللی بین عراق و کویت در ژوئن ۱۹۹۳، مطابق با قطعنامه شماره ۸۳۳ سازمان ملل تعیین حدود شده است. این تعیین مرز که در حقیقت آن را تعیین مرز خشکی می‌توان قلمداد کرد، مرز بین عراق و کویت را بین ام‌القصر و منطقه خورها و در ادامه در طول خور عبدالله مشخص می‌کند.

۱۱- کویت - عربستان (۲۰۰۰): عربستان و کویت در سال ۲۰۰۰ موافقتنامه‌ای را امضا کردند که در آن ضمن به رسمیت شناختن حاکمیت کویت بر جزایر قاروه و ام‌المرادیم، با تعیین چهار نقطه، مرز دریایی بین دو کشور را معین کردند. در ضمن عربستان و کویت بر سر بهره‌برداری مشترک از منابع بستر و زیر بستر دو طرف مرز با همدیگر به توافق رسیدند. ایران و عراق نسبت به این توافقنامه معترض می‌باشند. آنچه باعث اعتراض ایران نسبت به این توافقنامه و تحدید مرز می‌باشد این است که در ماده یک این توافقنامه پس از اشاره به مختصات این چهار نقطه آمده است: از نقطه ۴ خط تقسیم دریای مجاور منطقه تقسیم شده، در جهت شرق ادامه خواهد داشت. با توجه به اینکه این نقطه دارای مختصات ۲۸ درجه و ۵۶ دقیقه و ۶ ثانیه عرض جغرافیایی و ۴۹ درجه و ۲۶ دقیقه و ۴۲ ثانیه طول جغرافیایی است، در نتیجه نقطه مزبور از خط میانه خلیج فارس عبور کرده و عملاً توافق ایران و انگلیس (مسئول سیاست خارجی اعراب) در سال ۱۹۶۵ را نقض کرده است. این در حالی است که دو دولت عربستان و کویت در این توافقنامه حتی پیشروی از این نقطه به سمت شرق را نیز مد نظر قرار داده‌اند. همچنین با توجه به اینکه دو کشور کویت و عربستان توافق کرده‌اند که از منابع بستر و زیر بستر دو طرف مرز به طور مشترک استفاده کنند که در این صورت عملاً پای عربستان به منابع مشترک نفتی و گازی بین کویت و ایران مثل میدان آرش باز می‌شود. (ایران نسبت به این تحدید حدود معترض است و اعتراض‌نامه‌ای را به سازمان ملل ارسال کرده است و اعتراض خود را به اطلاع دو کشور کویت و عربستان رسانده است) (مراجعه به نقشه ۱).

۱۲- بحرین - قطر (رأی دادگاه بین‌المللی لاهه در خصوص مرز دریایی قطر - بحرین و مناقشات بین این دو کشور، مارس ۲۰۰۱): بحرین و قطر مدت زیادی برای حاکمیت بر سر جزایر حواری^۱ (مراجعه به نقشه ۱) و آبتلهای دبال و الجراده مناقشه داشتند و سرانجام پس از

۱- با توجه به اینکه مهمترین و جدیدترین مرز دریایی تحقق یافته در خلیج فارس مرز دریایی بحرین و قطر بوده است و اختلاف اصلی این دو کشور بیشتر معطوف به مالکیت بر جزایر حواری بوده است، به طور مختصر به معرفی این جزایر پرداخته می‌شود: «جزایر حواری گروهی از جزایر است که نزدیکترین آن در یک مایلی ساحل قطر و بیشترین تعداد آنها در محدوده سه مایلی دریایی از ساحل قطر واقع است؛ در حالیکه جزیره اصلی حواری با ساحل بحرین ۲۰ مایل فاصله دارد. جزایر حواری در نزدیکی منطقه نفتی دخان، در غرب شبه جزیره قطر قرار دارد و آب دریا بین این منطقه و جزایر تا حدی کم عمق است که هنگام جزر دریا این دو خشکی به یکدیگر متصل می‌شوند (مجته‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۱۵-۲۰۳). مجمع‌الجزایر حواری از شش جزیره بزرگ و سی جزیره کوچکتر در اندازه‌های مختلف تشکیل شده که وسعت خشکی این منطقه ← →

یکسری مناقشه و منازعه تعیین مرز دریایی این دو کشور به دیوان بین‌المللی دادگستری داده شد که این دیوان پس از بررسی ادعاهای دو کشور سرانجام در ۱۶ مارس ۲۰۰۱ رأی خود را درخصوص مناقشات سرزمینی و وضعیت مرز دریایی بین این دو کشور صادر کرد. طبق رأی دیوان، قطر روی منطقه الزبارة، جزایر جنان از جمله حدجنان و ارتفاعات جزری فشت الدبال حاکمیت دارد و بحرین بر جزایر حوار و آبتل الجراده حاکمیت دارد. علاوه بر این کشتیهای قطر می‌توانند در دریای سرزمینی بحرین که جزایر حوار را از بحرین جدا می‌کند از حق عبور بی‌ضرر مطابق با قوانین و رسوم بین‌الملل استفاده کنند. همچنین دادگاه به ترسیم خط مرز دریایی بین دو کشور نیز اقدام کرد. برای ترسیم خط مرزی از ۴۲ نقطه با مختصات جغرافیایی معین استفاده شده است (مراجعه به نقشه ۱).

توافقات مرزی و تعیین مرزهای دریایی را می‌توان گامی در جهت تأمین و توسعه صلح در خلیج فارس و منطقه دانست. بنابراین از این نظر خلیج فارس بیشتر راه را پیموده است، اگر چه هنوز ۷ مرز دریایی مورد توافق و تحدید واقع نشده‌اند.

روی هم کمی بیش از ۵۰ کیلومتر مربع می‌باشد. این جزایر تقریباً در ۲۶ کیلومتری جنوب شرقی سرزمین اصلی بحرین و در مجاورت شبه جزیره قطر واقع است. جزایر اصلی آن شامل جزیره حوار (جزیره اصلی)، ربودالغریبه، ربودالشرقیه، سواد الشمالیه، سواد الجنوبیه، ام هزواره، ام الجنی، عجیره، مشتان و موتريد می‌باشد. این جزایر جزایری صاف و کم ارتفاع هستند. مرتفعترین نقطه آن ۲۸ متر ارتفاع دارد و در وسط محدوده‌ای به نام الجبال قرار دارد. طول و عرض بزرگترین جزیره (حوار) تقریباً ۳ و ۱۷ کیلومتر می‌باشد. این جزایر به وسیله آب کم عمق نمکی احاطه شده است. عمق آب اطراف جزایر حوار بندرت از ۲/۵ متر تجاوز می‌کند و متوسط عمق آن ۱/۸ متر است. میزان نمک آب در حدود PPT ۴۸-۵۲ است، در حالی که در بعضی مردابها و تالابهای داخلی به بالاترین حد خود، یعنی ۸۰ می‌رسد. از ویژگیهای آب و هوایی جزایر حوار، درجه بالای حرارت تابستان آن و میزان ناکافی بارندگی (کمتر از ۱۰۰ میلی متر در سال و اغلب زمستانی) است. رطوبت هوا در آن بالا و بادهای غالب آن جهت شمال غربی دارند. گرمترین و مرطوبترین ماههای سال ژوئن و اکتبر است که درجه حرارت در این ماهها به ۴۲ درجه سانتیگراد می‌رسد. دسامبر تا آوریل، هوا عموماً ملایم است و متوسط درجه حرارت بین ۱۰-۲۰ درجه سانتیگراد می‌باشد. جزایر حوار یک اکوسیستم ناب و خالص مربوط به خلیج فارس را به نمایش می‌گذارد. در منطقه حفاظت شده حوار گونه‌های متنوعی از بومهای دریایی و خشکی را می‌توان دید. از آن جمله می‌توان به پستانداران در خطر انقراض، دلفین، لاک‌شت سبز دریایی و بیش از ۱۵۰ گونه پرنده از جمله باز تیره و همای ماهیخوار اشاره کرد. از دیگر جاذبه‌های آبهای جزایر حوار می‌توان گیاهان و آنگهای دریایی را نام برد. اوج جلب توریست جزایر حوار بین ماههای نوامبر تا می است. ۸۵٪ بازدیدکنندگان از حوار ملیت بحرینی دارند. هتل توریستی حوار اخیراً در گزارشی تعداد بازدیدکنندگان از حوار را ۱۷۵۰۰ نفر در هر سال ذکر کرده است. یک گروهان ۵۰۰۰ نفری نظامی در این جزایر مستقرند. با توجه به اینکه مرز بین قطر و بحرین تحدید و معین شده است، این تعداد در آینده به ۲۰۰۰ نفر کاهش پیدا خواهد کرد (Pilcher & others: 6-60).

مرزهای دریایی توافق نشده در خلیج فارس که باید تعیین شده و رسمیت پیدا کنند.

۱- مرز دریایی ایران و عراق که در حقیقت ادامه مرزهای خشکی دو کشور در شط العرب (اروند رود) است؛

۲- مرز دریایی عراق و کویت: اگرچه در سال ۱۹۹۳ در منطقه خورها و خور عبدالله مقداری از مرز آبی این دو کشور تحدید حدود شده است ولی ادامه این مرز در خلیج فارس هنوز توافق و تحدید نشده است؛

۳- مرز دریایی ایران و کویت: یکی از دلایل عدم تحدید مرز بین دو کشور این بوده است که هیچ یک از طرفین خط مبدأ طرف مقابل را برای ترسیم خط مرزی قبول نکرده‌اند. ایران اصرار به گذاشتن جزیره خارک در پشت خط مبدأ دارد و کویت نیز بر گذاشتن جزیره فیلکه تا رأس الیاحی در پشت خط مبدأ خود جهت ترسیم خط مرزی اصرار دارد. در گذشته مشخص نبودن نقطه دقیق ادامه مرز خشکی عراق و کویت نیز به علت اختلافات سرزمینی دو کشور به عنوان یکی از دلایل عدم تحدید حدود دریایی این دو کشور ذکر می‌شد که البته امروزه با تعیین مرز خشکی کویت و عراق توسط سازمان ملل در سال ۱۹۹۳ این مشکل دیگر وجود ندارد؛

۴- مرز دریایی قطر و عربستان سعودی: مرز دریایی قطر و عربستان سعودی در خلیج سلوی خط میانه و منصف مورد موافقت شده است. ولی مرز دریایی این دو کشور در قسمت جنوب شرقی قطر، یعنی خورالعدید مشخص نیست؛

۵- مرز دریایی امارات متحده عربی و عربستان سعودی: ابوظبی و قطر مرز دریایی خود را با یکدیگر در سال ۱۹۶۹ تعیین کرده‌اند. ولی این خط مرزی در نزدیکی خورالعدید رها شده است. در این قسمت مرزهای دریایی باید با توافق سه کشور قطر، عربستان و امارات صورت بگیرد؛

۶- مرز دریایی ایران و امارات متحده عربی: این مرز به علت اختلاف بر سر مالکیت جزایر سه‌گانه هنوز مشخص نشده است. اگرچه $39/2$ مایل از این مرز، یعنی مرز ایران و دبی در سال ۱۹۷۴ مشخص شده است ولی این مرز در ابوظبی به تصویب قوه مقننه نرسیده است؛

۷- مرز دریایی عمان و امارات متحده عربی به دلیل اختلافات دو کشور در مرزهای

خشکی در بخش شمالی رأس الخیمه و عمان شمالی در شبه جزیره مسندام تعیین نشده است. از مرزهای دریایی بین بخشهای مختلف امارات نیز تنها مرز دریایی بین امارات دومی و ابوظبی در سال ۱۹۶۹ مورد موافقت قرار گرفت و تعیین شد و مرزهای دریایی بین دومی و عجمان، عجمان و شارجه، شارجه و ام القوین، ام القوین و رأس الخیمه هنوز تعیین نشده است. در نقشه شماره ۱ وضعیت کنونی قلمروسازی کشورها در خلیج فارس نشان داده شده است. در این نقشه سعی شده است تا نقایص مربوط به نقشه‌هایی که تاکنون از وضعیت قلمروسازی در خلیج فارس ارائه شده است، برطرف گشته و نقشه کاملتری ارائه شود. در این نقشه مرزهای دریایی، مرز دریای سرزمینی ایران و سایر کشورها، نقاط خط مبدأ و خط مبدأ جمهوری اسلامی ایران، مرز فلات قاره بین کشورها، آبهای داخلی و دریای سرزمینی جمهوری اسلامی ایران نشان داده شده است.^۱ در گوشه نقشه نیز سه نقشه کوچک از خلیج سلوی و خط میانه مرزی بین عربستان و قطر، خط مرزی قطر و بحرین و نقشه‌ای از جزایر حوار نشان داده شده است.

۱ - در این نقشه مرز دریای سرزمینی کشورهای حاشیه خلیج فارس به استثنای ایران بر اساس نقشه ۱ (Department of State / Limits in the Sea / No.94) بوده است. در نقشه مزبور خط مبدأ ایران بر اساس خط جزر تعیین شده بود و بر اساس آن مرز دریای سرزمینی مشخص شده بود. در این نقشه خط مبدأ ادعایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان (طبق مصوبه ۱۳۵۲ هیات وزیران و قانون مناطق دریایی ج.ا.ایران مصوب در سال ۱۳۷۲ توسط مجلس شورای اسلامی) خط مبدأ مستقیم رسم شده است. در این نقشه مرزهای دریایی عربستان و قطر در خلیج سلوی و بحرین و قطر که در نقشه‌های قبلی دیده نمی‌شود، ترسیم شده است.

۷- خلاصه و نتیجه گیری

قلمروسازی در آبهای خلیج فارس یکی از تظاهرات تمایل و تلاش انسان به قلمروسازی بطور کلی است که بحث درباره آن در دهه‌های اخیر بیش از پیش مورد توجه جغرافیدانان سیاسی قرار گرفته است.

تصویب قوانین دریایی در کشورهای حاشیه خلیج فارس از اوایل دهه ۱۹۳۰ میلادی آغاز شد و این امر به دنبال مصوبه‌های کنفرانسها و کنوانسیونهای بین‌المللی حقوق دریاها صورت گرفت. در این راستا کشورها به منظور دسترسی انحصاری و قانونی به منابع غذایی و معدنی و نفت و گاز ادعاهای قانونی خود را در رابطه با عرض دریای سرزمینی، منطقه نظارت، فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی اعلام کردند و به تعیین مرزهای دریایی خود با کشورهای همجوار و مقابل پرداختند، به گونه‌ای که امروز خلیج فارس بجز چند مورد توسط مرزهای توافق شده میان کشورهای ساحلی تقسیم شده است.

در ایران اولین قانون راجع به تعیین حدود آبهای ساحلی و منطقه نظارت در سال ۱۹۳۴ م. (۱۳۱۳ ه.ش.) تصویب و اعلام شد. دومین قانون راجع به اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی (بستر و زیربستر) فلات قاره ایران در تاریخ ۱۹۵۵ م (۱۳۳۴ ه.ش.) به تصویب رسید. از این زمان به بعد کشورها به تعیین مرز فلات قاره خود با کشورهای همجوار و مقابل پرداختند که اولین آن از این دست، مرز میان دو کشور عربستان و بحرین بود که در سال ۱۹۵۸ م. توافق و تعیین شد. مرز فلات قاره میان ایران از یکسو و عربستان، بحرین، قطر و عمان از سوی دیگر در سالهای میان ۱۹۶۸ م. تا ۱۹۷۵ م. توافق شد.

در سی سال اخیر تنها سه مرز دریایی در خلیج فارس افزای شده است که در دو مورد آن نهادهای بین‌المللی از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری به منظور حل اختلافات نقش داشته‌اند. این سه مرز جدید عبارتند از:

- ۱- ادامه مرز خشکی عراق و کویت در منطقه خورها و خور عبدالله که توسط سازمان ملل تعیین شده است، ۲- در سال ۲۰۰۰ ضمن به رسمیت شناختن مالکیت

کویت بر دو جزیره قاروه و ام‌المرادیم دو کشور کویت و عربستان با انتخاب ۴ نقطه، مرزدریایی بین دو کشور را تعیین و تحدید کردند و توافق کردند که به طور مشترک از منابع بستر و زیر بستر دو طرف مرز بهره‌برداری کنند که کشورهای ایران و عراق به این تحدید حدود معترض شدند.

۳- مهمترین مرز دریایی تعیین شده در سالهای اخیر مرز بین قطر و بحرین بود. این دو کشور مدت‌ها بر سر جزایر حواری با یکدیگر مناقشه داشتند. سرانجام در سال ۲۰۰۱ دیوان بین‌المللی دادگستری رأی خود را در خصوص مرز دریایی و مناقشات این دو کشور صادر کرد، مالکیت جزایر حواری به بحرین داده شد و خط مرزی بین این دو کشور با تعیین ۴۲ نقطه تحدید شد. نقشه موجود در این مقاله قلمروسازیهای اخیر و کلیه قلمروسازیهای صورت گرفته در خلیج فارس را نشان می‌دهد. بدیهی است در صورتی که در زمینه ۷ مرز تحدید نشده در خلیج فارس توافقاتی بین کشورها صورت بگیرد، این مسأله تأثیر مثبتی بر صلح و امنیت خلیج فارس و منطقه خواهد داشت.

منابع و مآخذ

۱. پیشگاهی فرد، زهرا، (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی دریاها با تأکید بر آبهای ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲. چرچیل، رابین رولف و آلن لو، (۱۳۸۴)، حقوق بین الملل دریاها، ترجمه: بهمن آقایی، چاپ سوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
۳. حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
۴. حافظ‌نیا، محمدرضا، کاویانی‌راد، مراد، (۱۳۸۳)، افقهای جدید در جغرافیای سیاسی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
۵. درایسدل، آلسدایر، بلیک، جرال.د. اچ، (۱۳۷۳)، جغرافیای سیاسی خاور میانه و شمال آفریقا، ترجمه: دره میرحیدر، چاپ سوم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۶. مؤسسه گیتاشناسی، اطلس جامع گیتاشناسی (۱۳۸۴-۱۳۸۵).
۷. مجتهدزاده، بیروز، (۱۳۸۲)، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، ترجمه: حمیدرضا ملک محمدی نوری، چاپ پنجم، تهران: وزارت امور خارجه.
۸. میرحیدر، دره، (۱۳۶۵)، جغرافیای سیاسی دریاها، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، انتشارات آستان قدس رضوی، شماره ۳، صفحات ۵۷ تا ۷۶.
۹. میرحیدر، دره، (۱۳۸۰)، مبانی جغرافیای سیاسی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات سمت.
10. Cosquer, Gerard & Hangouet, J. Francois, (2003), Delimitation of land and Maritime Boundaries.
11. Department of State, (1981), Limits in the Sea, No.94, Continental Shelf Boundaries : The Persian Gulf.
12. Dossier,(2001) .the Bahrain – Qatar Border Dispute: the World Court.
13. Fao Corporate Document Repository, coastal state requirements for foreign fishing.
14. Glassner, M.A. and de Blij, H.J, (1973),Second edition, Systematic Political Geography, USA ; John Wiley and Sons. Inc.
15. International Court of Justice, (2001), Maritime Delimitation and Territorial Questions Between Qatar and Bahrain.16 March 2001.
16. Lewis, Alexander, M. (1986), The delimitation of maritime boundaries, Political Geography Quarterly, Vol.5.No.1, Jan 1986, PP.19-24.
17. Mirheydar, Dorreh, (1976), A Note On Territorial sea of Iran, RCD Magazine, Vol, 3, No.1, PP 46-54.
18. Pilcher, Nicolas. J, (2003), Hawar Islands Protected Area, (Kingdom of Bahrain), first Draft. January 2003.
19. Pounds, N.J.G. (1963), Political Geography, New york; Mc Graw raw Hill Book company, Inc.

20. Summary of claims, United Arab Emirates , DOD 2005. 1-M
21. Summary of claims, Bahrain , DOD 2005. 1-M
22. Summary of claims, Iran , DOD 2005. 1-M
23. Summary of claims, Iraq , DOD 2005. 1-M
24. Summary of claims, Kowait , DOD 2005. 1-M
25. Summary of claims, Oman , DOD 2005. 1-M
26. Summary of claims, Qatar , DOD 2005. 1-M
27. Summary of claims, Saudi Arabia , DOD 2005. 1-M
28. <http://www.un.org>
29. <http://www.icj-cij.org>.